

رضا استادی



سیری اجمالی

در

تاریخ تدوین حدیث^(۱)



بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - اد، رسول الله صلى الله عليه وآله
خطب الناس في مسجد الخيف فقال:
نصر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها وحفظها و
بلغها من لم يسمعها فرب حامل فقه الى غير
فقيه ورب حامل فقه الى من هو افقه... (۳)

۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
من حفظ من امي اربعين حديثاً مما
يحتاجون اليه من امر دينهم بعث الله
يوم القيامة فقيهاً عالماً. (۴)

۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
من حفظ عني من امي اربعين حديثاً في امر
دينه يريده به وجه الله والدار الآخرة بعث الله

الف: در زمان رسول خدا (ص)

همانطور که در تواریخ ثبت شده است
هنگامی که رسول گرامی اسلام صلی الله
علیه وآله در سرزمین حجاز به رسالت مبعوث
شد، مردم آن سامان جز معدودی از نوشتن و
کتابت بی بهره بودند. (۲) و گویا همین
موضوع باعث شد که آن حضرت برای حفظ
احادیث و آثار نبوت مردم را بیش از کتابت و
نوشتن حدیث، به از برکردن آن دعوت و
تشویق نماید.
از باب نمونه به احادیث زیر توجه کنید:

یوم القيامة فقيهاً عالماً» (۵)

۴ - عن النبي صلى الله عليه وآله: من حفظ علي (۶) امتي اربعين حديثاً ينتفعون بها بعته الله يوم القيامة فقيهاً عالماً. (۷)

گرچه برخی از دانشمندان علم حدیث گفته اند: «حفظ» شامل از برکردن و کتابت هر دو می باشد و نوشتن حدیث هم حفظ آن است ولی روشن است که معنی ظاهری و اولی «حفظ» همان از برکردن است نه کتابت و نوشتن.

بنابراین می توانیم بگوئیم در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله کتابت و نوشتن حدیث آنقدرها مرسوم و متعارف نبوده است و از اینرو گفته اند:

ان مدار الصدر السلف كان على النقش في الخواطر لا على الرسم في الدفاتر. (۸)

ولی در عین حال به مدارکی بر می خوریم که حاکی از آن است که در زمان آن حضرت هم گاهگاهی احادیث نوشته می شده و آن حضرت هم به نوشتن آن تشویق می کرده است. به احادیث زیر توجه کنید:

۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المؤمن اذا مات وترك ورقة واحدة عليها علم (۹) تكون تلك الورقة يوم القيامة سترأ فيما بينه وبين النار. (۱۰)

۲ - جاءت فاطمة عليها السلام تشكوا الى رسول الله صلى الله عليه وآله بعض امراها فاعطاها رسول الله صلى الله عليه وآله

كريمة (۱۱) وقال: تعلمي ما فيها فاذا فيها «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذي جاره ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو يسكت». (۱۲)

۳ - عن ابن مسعود قال: جاء رجل الى فاطمة عليها السلام فقال يا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله هل ترك رسول الله صلى الله عليه وآله عندك شيئاً نظرفينه: فقالت يا جارية هات تلك الجريدة. فطلبها فلم تجدها فقالت: ويا بنت اطلبها فانها تعدل عندي حسناً وحسيناً. فطلبتها فاذا هي قد قدمت في قماتها فاذا فيها: «قال محمد النبي صلى الله عليه وآله: ليس من المؤمنين من لم يأمن جاره بوائقه» (۱۳) ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذي جاره ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو يسكت...» (۱۴)

ب: کتاب علی علیه السلام

اینکه گفته شد کتابت حدیث در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله مرسوم نبوده و از آن دوران نوشته قابل ملاحظه ای که شامل احادیث نبوی باشد برای طبقه بعدی بجای نماند، باصرف نظر (۱۵) از کتاب علی علیه السلام بود و الاً از روایات متعددی استفاده می شود که کتاب یا کتابهای بسیار بزرگی که به املاء رسول خدا صلی الله علیه

وآله وخط علی علیه السلام و شامل تمام احکام شرعی و قوانین اسلامی بوده از علی علیه السلام برای امامان بعدی به یادگار مانده است و امامان علیهم السلام به آن مراجعه و گاه گاه به آن استناد می کرده اند. از باب نمونه چند روایت را یادآوری می کنیم.

۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي اكتب ما املئ عليك. قلت: يا رسول الله انخاف على النسيان! فقال: لا وقد دعوت الله عزوجل ان يجعلك حافظاً ولكن اكتب لشركائك الائمة من ولدك... (۱۶)

۲ - عن عذافر الصيرفي قال: كنت مع الحكم بن عتبة عند ابي جعفر عليه السلام فجعل يسألني وكان ابو جعفر عليه السلام له مكرماً فاحتملنا في شئ ففقال ابو جعفر عليه السلام: يا بني قم فاخرج كتاب علي فاخرج كتاباً مدرجاً (۱۷) عظيماً ففتحه وجعل ينظر حتى اخرج المسألة فقال: هذا خط علي عليه السلام واملاء رسول الله صلى الله عليه وآله (۱۸)

۳ - قال الصادق عليه السلام: ان عندنا كتاباً املاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام صحيفة فيها كل حرام و حرام. (۱۹)

۴ - قال الصادق عليه السلام: ان عندنا الكتاب باملاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام بيده، صحيفة طولها

سبعون ذراعاً فيها كل حلال و حرام. (۲۰)
۵ - قال الصادق عليه السلام: ان عندنا جلدأ سبعين ذراعاً املئ رسول الله صلى الله عليه وآله وخطه علي عليه السلام بيده وان فيه جميع ما يحتاجون اليه حتى ارش الخدش. (۲۱)

۶ - دعا ابو جعفر عليه السلام بكتاب علي عليه السلام فجاء به جعفر عليه السلام مثل فخذ الرجل مطوى... فقال ابو جعفر عليه السلام: هذا والله املاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام بيده. (۲۲)

و چون روایاتی که از این کتاب نام می برد و یاد می کند حدود پنجاه روایت می باشد حای هیچ تردیدی در این زمینه باقی نمی ماند.

لازم به تذکر است که حضرت علی علیه السلام کتابهای دیگری نیز در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله و یا در دوسه ماه بعد از رحلت آن بزرگوار به خط خود نوشته است و آن کتابها نیز نزد فرزندان معصوم او بوده و می باشد مانند جفر و جامعه و مصحف فاطمه علیها السلام. به روایات زیر توجه کنید:

۷ - عن علي بن سعيد قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: اما قوله في الجفر فانما هو جلد ثور مذبوح كالجراب، (۲۳) فيه كتب وعلم ما يحتاج الناس اليه الي يوم القيامة من حلال و حرام،

این نتیجه رسیدیم که در دوران ۲۳ ساله رسول اکرم صلی الله علیه وآله احادیث نبوی جز به وسیله علی علیه السلام نوشته و تدوین نشده (و احادیثی که توسط دیگران جمع آوری و نوشته شده بسیار کم بوده است) و کتاب یا کتابهای (۲۷) آن حضرت هم، به ارث به امامان بعدی علیهم السلام رسیده و در اختیار همگان قرار نگرفته است و در حقیقت از مختصات و منابع علم آنان بوده است.

ج: نقل حدیث و خلفای ثلاثه

ابوبکر در زمان خلافتش مردم را جمع کرد و گفت: شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله حدیث هائی نقل می کنید و گاهی به این جهت در میانان اختلاف پدید می آید اگر وضع بدین منوال بگذرد مسلمانان آینده به اختلاف شدیدتری دچار خواهند گردید، روی این اصل پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله حدیثی نقل نکنید و اگر کسی از شما مطلبی سؤال کرد بگوئید میان ما و شما قرآن کافی است حلال آنرا حلال و حرامش را حرام بدانید. (۲۸)

عایشه می گوید: پدرم بانصد حدیث از رسول خدا صلی الله علیه وآله جمع آوری کرده بود (۲۹) یک شب دیدم در میان رختخوابش ناراحت است چون صبح شد علت ناراحتی او را جو یا شدم گفت: «ای

املاء رسول الله صلی الله علیه وآله وخط علی علیه السلام». (۲۴)

۸ - سأل اباعبدالله علیه السلام بعض اصحابنا عن الجعفر فقال: هو جلد ثور مملو علماً، قال: فالجامعة؟ قال تلك صحيفة طولها سبعون ذراعاً... فيها كل ما يحتاج الناس اليه، وليس من قضية الاوهى فيها حتى ارش الخدش، قال فمصحف فاطمة عليها السلام؟ قال: فسكت طويلاً ثم قال: ... ان فاطمة مكثت بعد رسول الله خمس وسبعين يوماً وكان دخلها حزن شديد على ابها وكان جبرئيل يأتيها فيحسن عزائها ويطيب نفسها ويخبرها عن ابها ومكانه ويخبرها بما يكون بعدها في ذريتها وكان على عليه السلام يكتب ذلك فهذا مصحف فاطمة عليها السلام.

۹ - قال الصادق عليه السلام: عندنا مصحف فاطمة اما والله ما فيه حرف من القرآن ولكنه املاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط على عليه السلام كيف يصنع عبد الله بن حسن اذا جاء الناس من كل افق يسألونه (۲۵)

۱۰ - قال الباقر عليه السلام: عندنا الجامعة وهي سبعون ذراعاً فيها كل شيء حتى ارش الخدش، املاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط على عليه السلام. (۲۶)

تا اینجا با این بررسی کوتاه و فشرده به

(الدرة) =

قال محمود بن لبيد: سمعت عثمان بن عفان على المنبر يقول: لا يحل لاحد يروى حديثنا لم يسمع به في عهد ابي بكر ولا في عهد عمر، فانه لم يمتنى ان احدث عن رسول الله صلى الله عليه وآله ان لا اكون من اوعى اصحابه الا انى سمعته يقول، من قال على مال اقل فقد تبوء مقعده من النار. (۳۵)

و بدین ترتیب در دوران بیست و پنجساله خلفاء ثلاثه نیز کتابت - بلکه روایت و کتابت - حدیث رواجی نداشته و نوشته های حدیثی این دوره هم بسیار کم بوده و همان اندک هم به صورت کتاب محبوب نبوده است. مثلاً از کتابهای این دوره می توان کتاب سلمان و کتاب ابی ذر را که پیش از خلافت علی علیه السلام از دنیا رفته اند (۳۶) نام برد ولی این دو کتاب در حقیقت دو حدیث طولانی بوده است و نه دو کتاب اصطلاحی.

ابن شهر آشوب می نویسد: اول من صنّف فی الاسلام امیر المؤمنین علیه السلام ... ثم سلمان الفارسی ثم ابوذر الغفاری ثم الاصبغ بن سبّاعة ثم عبید اللّٰه بن ابی رافع ثم الصحیفة الكاملة عن زین العابدین علیه السلام. (معالم العلماء ص ۲)

ولی شیخ طوسی می نویسد: سلمان الفارسی روی حدیث الجاثلیق الرومی الذی بعته ملک الروم بعد النبی (۳۷)

و سید حسن صدر می نویسد: صنّف

بنیة هلمی الاحادیث التی عندک فجئته بها فدعا بنار فحرقها». و این عمل خود را چنین توجیه کرد که می ترسم بمیرم و این احادیث نزد تو بماند و شاید در میان آنها احادیثی باشد که من از افرادی که مورد اعتماد بوده اند نقل کرده ام ولی در واقع آنها افراد صالحی نباشند و من مسؤول باشم. (۳۰)

عن الزهری قال: اخبرنی عروة بن زبیر، ان عمر بن الخطاب اراد ان یکتب السنن واستشار فیها اصحاب رسول الله صلى الله علیه وآله فاشار علیه عامتهم بذلك فلبث عمر شهرا یتخیر الله فی ذلك شاكاً فیہ ثم اصبح یوما وقد عزم الله تعالی وقال انی كنت ذكرت لکم من كتابة السنن ما قد علمتم ثم تذکرت فاذا اناس من اهل الكتاب قبلکم قد كتبوا مع کتاب الله کتباً فاکبوا علیها وترکوا کتاب الله وانی والله لا الیس کتاب الله بشیء فترك كتابة السنن. (۳۱)

و روی ان عمر قال عند ما عدل عن كتابة السنة: لا کتاب مع کتاب الله (۳۲)

و فی نقل آخر قال عمر لابنه عبد الله ناولنی الکنف.. فقال له ابن عمر: انا اکفیک محوها فقال لا والله لا یمحوها احد غیری فمحاها یدیه وکان فیها فریضة الحد. (۳۳)

وقال ابوسلمة لابی هريرة بعد جوابه لسؤاله: اکتت تحدث فی زمان عمر هكذا؟ فقال: لو کنت احدث فی زمان عمر مثل ما احدثکم لضررتی بمخففته. (۳۴) (المخففة

کتاب حدیث، جائق. (۳۸)

ونیز شیخ طوسی می نویسد:
ابوذرفقاری له خطبة یشرح فیها الامور بعد
النبی صلی الله علیه وآله. (۳۹)
ومرحوم صدر می نویسد: له کتاب
الخطبة. (۴۰)

پس معلوم می شود که منظور از کتاب و
تصنیف سلمان و ابوذرهمین دو حدیث و
خطبه بوده است. و از اینرو درباره کتاب
ابی رافع که کتابی مبوب بوده است گفته
می شود: تدوین این کتاب اولین گامی بوده
که در راه تدوین حدیث برداشته شده است.

د: تدوین حدیث واصحاب علی
علیه السلام

نجاشی می نویسد: ابورافع مولى
رسول الله صلی الله علیه وآله وكان للعباس بن
عبدالمطلب فوهبه للنبی صلی الله علیه وآله
فلما بشرالنبی باسلام العباس اعتقه. واسلم
ابورافع قدیما بمكة وهاجر الى المدينة وشهد
مع النبی صلی الله علیه وآله مشاهده ولزم
امیرالمؤمنین علیه السلام من بعده وكان من
خيارالشیعة وشهد معه حروبه وكان صاحب
بيت ماله بالكوفة وخرج مع امیرالمؤمنین
علیه السلام فی الجمل وهو شیخ کبیر له
خمسة وثمانون سنة فلم یزل مع علی حتی
استشهد علی علیه السلام فرجع ابورافع الى
المدينة مع الحسن علیه السلام ولابی رافع

کتاب السنن والاحکام والقضایا. اخبرنا
محمد بن جعفر النحوی... عن محمد بن
عبیدالله بن ابی رافع عن جده ابی رافع عن
علی بن ابی طالب علیه السلام انه كان اذا
صلی قال فی اول الصلوة... وذكر الكتاب
الی آخره باباً باباً الصلوة والصیام والحج
والزکوة والقضایا (۴۱)

ونیز می نویسد: علی بن ابی رافع تابعی
من خيارالشیعة كانت له صحبة مع
امیرالمؤمنین علیه السلام وكان کاتباً وله
حفظ کثیر وجمع کتاباً فی فنون الفقه
الوضوء والصلوة وسائر الابواب... (۴۲)

ونیز می نویسد: ربیعة بن سمیع عن
امیرالمؤمنین علیه السلام له کتاب فی زکوة
الغم. (۴۳)

ونیز می نویسد: عبیدالله بن الحر الجعفی
له نسخة برویها عن امیرالمؤمنین
علیه السلام. (۴۴)

ونیز می نویسد: عمر بن عبد الله بن یعلی
بن مرة، له نسخة برویها عن جده عن
امیرالمؤمنین علیه السلام له کتاب قضایا
امیرالمؤمنین علیه السلام. (۴۵)

مرحوم شیخ طوسی می نویسد: عبیدالله
ابی رافع کاتب امیرالمؤمنین (ع) له کتاب
قضایا امیرالمؤمنین (ع). (۴۶)

ونیز می نویسد: الاصبغ بن نباتة... روى
عهد مالک الاشرى الذى عهدت اليه
امیرالمؤمنین علیه السلام لما ولاة مصر. و

من کتب الاصول... و کان من خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و مات فی اماره الحجاج بن یوسف الثقفی. (۵۲)

و صحبانه سجادیه حضرت علی بن الحسین علیه السلام هم از کتابهای همین دوره بشمار مرود زیرا وفات آن حضرت سال نود و پنج هجری بوده است.

بسا بر این می توان گفت که از زمان علی علیه السلام تا زمان امام چهارم که تقریباً پایان سده اول هجری است نوشتن حدیث و تدوین آن کم و بیش معمول بوده است.

و از آن دوره جزوه ها و کتابهایی برای طبقه بعد بجای مانده است.

و از عبارتی هم که از شیخ مفید نقل می شود نیز همین مطلب استفاده میگردد شیخ مفید می گوید: صنف الامامیه من عهد علی علیه السلام الی عهد ابی محمد الحسن العسکری صلوات الله علیه اربع مائة کتاب تسمى الاصول... (۵۳)

البته واضح است که این کتابها و جزوه ها و نوشته های حدیثی از حیث کمیت با قیاس به دوره های بعد آنقدرها قابل ملاحظه نبوده است. (۵۴)

ه: معاویه و نقل حدیث در دوران حکومت و سلطنت معاویه که نزدیک به جهل سال طول کشید مخصوصاً در بیست و پنج سال آخر آن، دواعی جعل

روی وصیه امیرالمؤمنین علیه السلام الی ابنه محمد بن الحنفیه... و روی عنه ایضاً مقل الحسین علیه السلام. (۴۷)

و نیز می نویسد: عبید بن محمد بن قیس البجلي له کتاب برویه عن ابیه اخبرنا به جماعة عن هارون بن موسی... قال اخبرنا عبید بن محمد بن قیس عن ابیه قال: عرضنا هذا الكتاب علی ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام فقال هذا قول امیرالمؤمنین علیه السلام انه كان يقول: اذا صلی قال فی اول الصلوة و ذکر الكتاب. (۴۸)

و نیز می نویسد: محمد بن قیس البجلي له کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام اخبرنا به جماعة... و له اصل ایضاً. (۴۹)

مرحوم سید حسن صدر می نویسد: میثم التمار صاحب امیرالمؤمنین علیه السلام له کتاب فی الحدیث یقل عنه الشیخ الطوسی فی امالیه و الکشی فی الرجال و صاحب بشاره المصطفی فیہ و کثیرا ما یقول و حدث فی کتاب میثم التمار کذا. (۵۰)

و نیز می نویسد: الحارث بن عبدالله الاعور صاحب امیرالمؤمنین علیه السلام له کتاب برویه فیہ المسائل التي اخبرها امیرالمؤمنین علیه السلام اليهودی. (۵۱)

و نیز می نویسد: سلیم بن قیس له کتاب... قال النعمانی فی کتاب العیبه: لیس بین جمیع الشیعة ممن حمل العلم و رواه عن الائمة، خلاف فی ان کتاب سلیم اصل

حدیث بیش از دوران‌های گذشته بود.

زیرا با در نظر گرفتن موقعیت و زمان و اهمیت خاص امیرالمؤمنین علیه السلام که با مرور زمان اکثر مسلمانان متوجه آن حضرت گردیده بودند، نقل حدیثهای صحیح که باعث آگاه شدن مردم بود بیش از هر چیز بر ضرر مقام و موقعیت معاویه تمام می‌گردید. از این رو شیطان معاویه ایجاب می‌کرد هم جلو نقل حدیث‌هایی که به ضرر او است نگیرد و هم در مقابل آن حدیثهای صحیح و آگاه کننده، مطالبی که به نفع او و سیاست او باشد به عنوان حدیث، جعل و در اختیار مردم قرار دهد.

معاویه با مکر و حيله خاصی که داشت نقشه‌ای کشید که هر دو جهت نامین شود. یعنی از طرفی علناً در بالای منبر نقل هر نوع حدیث را به استثنای حدیث‌هایی که در عهد عمر نقل می‌گردید مسنوع اعلام کرد (۵۵) و از طرف دیگر به افرادی که در مدح و فضیلت خلفای نالانده حدیثی نقل می‌کردند جایزه‌های قابل توجه و پاداش‌های فوق العاده می‌داد و از این رهگذر عده‌ای را به جعل حدیث و دروغ بافی به نفع سیاست خود تشویق می‌کرد.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از مدائنی متوفای سال دویست و بیست و پنج نقل می‌کند: معاویه به تمام عمال و فرمانداران طی بخشنامه‌ای چنین نوشت:

«من حمایت خود را از کسانی که در باره فضیلت ابوتراب و خاندانش چیزی نقل کنند برداشتم». و نیز نوشت: «که مراقب باشند اگر در محیطشان کسی از فضائل عثمان و خاندانش چیزی نقل کرد او را در مجالس رسمی مورد احترام قرار دهند و در اعزاز و اکرام او کوتاهی نکنند».

و فرمانداران هم طبق این دستور برای کسی که حمله‌ای در فضیلت عثمان نقل می‌نمود حقوق و مزایائی معین می‌کردند. و پس از مدتی که حدیث درباره عثمان نقل شد به عمالش نوشت:

«حدیث درباره عثمان به حد کافی به تمام نقاط مملکت رسید اینک مردم را دعوت کنید که درباره فضائل صحابه و ابوبکر و عمر حدیث نقل کنند و هر حدیث و فضیلتی که درباره ابوتراب نقل شده، حدیثی مشابه آن درباره صحابه بیاورند و این کار مورد عطاقت و باعث جسم روشنی من است» (۵۶).

و: تدوین حدیث در سده دوم و سوم در میان اهل سنت

عمر بن عبدالعزیز پنجمین خلیفه مروانی در سال‌های ۹۹-۱۰۱ خلافت کرد. وی در دوران کوتاه خلافتش به کارهای خوبی موفق شد که یکی از آنها رفع ممنوعیت کتابت حدیث بود.

قبل ربیع بن صبیح (المتوفی ۱۶۰) و قبل مالک (المتوفی ۱۷۹) ثم انشردتوینه و جمعه... (۶۳)

از این نقل ها و نظائر آن برمی آید که در قرن دوم کنایت و تدوین حدیث بین اهل تسنن مرسوم شده و به صورت جزوه ها و کتابها درآمده است. و واضح است که همین جزوه ها و کتابها قسمت مهم زیربنای کتابهای حدیثی ایشان را اعم از صحاح و مسانید که بعداً تألیف و تدوین شده است تشکیل می دهد.

کتابهای حدیث اهل تسنن تا پایان قرن سوم

۱ - موطأ مالک ابن انس متوفای ۱۷۹، این کتاب دارای ۱۷۲۰ حدیث است که قسمتی از آنها از رسول اکرم صلی الله علیه وآله و قسمت دیگر از صحابه و تابعین است. (۶۴)

۲ - مسند سلیمان بن داود ابوداود الطیالسی متوفای ۲۰۴ (۶۵)

۳ - مسند احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ که دارای بیش از چهل هزار حدیث است که قسمتی از آنها از رسول اکرم صلی الله علیه وآله می باشد. (۶۶)

۴ - صحیح محمد بن اسماعیل بخاری متوفای ۲۵۶ که با مکرراتش دارای ۷۲۷۵ حدیث است. (۶۷)

۵ - صحیح مسلم بن حجاج متوفای ۲۶۱

ابونعیم در تاریخ اصفهان می نویسد: کتب عمر بن عبدالعزیز الی الافاق انظروا حدیث رسول الله علیه وآله فاجمعوه. (۵۷)

در صحیح بخاری چنین آمده است: عمر بن عبدالعزیز به ابوبکر بن حزم متوفای ۱۱۷ که قاضی و عامل او در مدینه بود نوشت: «انظر ما کان من حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله فاكتبه فانی خفت دروس العلم و ذهاب العلماء ولا تقبل الاحديث النبى صلی الله علیه وآله وسلم...» (۵۸)

ابن حجر در شرح این حدیث می گوید: يستفاد من هذا ابتداء تدوين الحديث النبوی. (۵۹)

ابن شهاب زهری متوفای ۱۲۴ می گوید: امرنا عمر بن عبدالعزیز بجمع السنن فكتبناها دفترًا دفترًا فبعث الی کل ارض له علیها سلطان دفترًا. (۶۰)

و اینکه گفته می شود: اول من دون العلم ابن شهاب، نظریه این داستان است. (۶۱)

ذهبی در تذکرة الحفاظ می نویسد: اول زمن التصنيف و تدوین السنة و تألیف الفروع بعد انقراض دولة بنی امیه و تحول الدولة الی بنی العباس... (۶۲)

حسین بن عبدالله طیبی متوفای ۷۴۳ می نویسد: اختلف السلف فی کتابة الحدیث فکرها طائفة و اباحها اخرى ثم اجمع اتباع التابعین علی جوازه. فقيل اول من صنّف فیہ ابن جریج (المتوفی ۱۴۸) و

نوشتن حدیث و تدوین آن مبادرت کرده بود پس از رفع منع از طرف خلفای وقت و تشویق بیشتر از طرف ائمه اطهار علیهم السلام بیش از پیش دنبال این کار را گرفت.

عن ابی بصیر قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقال دخل علی الناس من اهل البصرة فسألونی عن احادیث فکتبوها فما یمنعکم من الکتابة اما انکم لن تحفظوا حتی تکتبوا. (۷۶)

عن المفضل بن عمر قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: اکتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فأورث کتیک بنیک فانه یأتی علی الناس زمان هرج لایأسون فیه الا بکتبکم. (۷۷)

عن عبید بن زراره قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تنحاجون لیهما. (۷۸)

سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات از عبدالله بن زید نهضلی نقل می کند: کان جماعة من اصحاب ابی الحسن الکاظم علیه السلام من اهل بینه و شیعتہ یحضرون مجلسه و معهم فی اکمامهم الواح... فاذا نطق ابوالحسن بکلمة اوافتی فی نازلة اثبت القوم ما سمعوه منه. (۷۹)

شیخ بهائی در کتاب مشرق الشمسین می نویسد: قد بلغنا عن مشایخنا قدس سرهم انه کان من دأب اصحاب الاصول انهم اذا سمعوا عن أحد من الائمة علیهم السلام حدیثا

که با حذف مکررات دارای چهار هزار حدیث است. (۶۸)

۶ - سنن محمد بن یزید بن ماجه قزوینی متوفای ۲۷۳ (۶۹)

۷ - سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی متوفای ۲۷۵ که به تصریح خود او دارای چهار هزار حدیث است. (۷۰)

۸ - سنن ترمذی (جامع ترمذی) متوفای ۲۷۹ (۷۱).

۹ - سنن احمد بن شعیب نسائی متوفای ۳۰۳ نام دیگر این کتاب «المجتبی» است. (۷۲)

و شش کتاب اخیر معروف به صحاح سته و نزد اهل تسنن معتبرترین کتابهای حدیثی ایشان است. البته گاهی موطأ مالک به جای سنن ابن ماجه یکی از صحاح سته شمرده می شود. (۷۳) و در میان صحاح سته، صحیح بخاری را در درجه اول اعتبار و پس از آن صحیح مسلم و بقیه را در درجه بعد می دانند.

۱۰ - سنن ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن دارمی متوفای ۲۵۵ (۷۴) و کتاب مفتاح کنوز السنة راهنما و کشف المطالب خوبی است برای این ده کتاب و چهار کتاب دیگر. (۷۵)

ز: تدوین حدیث در شیعه در قرن دوم و

سوم

شیعه که در قرن اول هم کم و بیش به

ذلك. (۸۴)

محقق حلی متوفای ۶۷۶ می نویسد: ان محمد بن علی علیه السلام لا تساع علمه و انتشاره سمي باقر العلم ولم ينكر تسميته منكر... وكذا الحال في جعفر بن محمد عليه السلام فانه انتشر عنه من العلوم الجمه ما بهربه العقول... وروى عنه من الرجال ما يقارب اربعة آلاف رجل... وكتب من اجوبة مسائله اربع مائة مصنف سموها اصولا... (۸۵)

شهيد اول متوفای ۷۸۶ می نویسد: كتبت من اجوبة الامام الصادق عليه السلام اربع مائة مصنف لاربع مائة مصنف ودون من رجاله المعروفين اربعة آلاف رجل من اهل العراق والحجاز وخراسان والشام... (۸۶)

شيخ حسين بن عبدالصمد پدر شيخ بهائی می نویسد: قد كتبت من اجوبة مسائل الامام الصادق عليه السلام فقط اربع مائة مصنف لاربع مائة مصنف تسمى الاصول في انواع العلوم. (۸۷)

شهيد تانی متوفای ۹۶۶ می نویسد: و كان قد استمر امر المتقدمين على اربع مائة مصنف لاربعمائة مصنف سموها الاصول فكان عليها اعتمادهم. (۸۸)

شيخ بهائی متوفای ۱۰۳۰ می نویسد: كان قد جمع قدماء محدثينا رضی الله عنهم ما وصل اليهم من احاديث ائمتنا سلام الله عليهم في اربع مائة كتاب تسمى الاصول. (۸۹)

بادروا الى اثباته في اصولهم فلا يعرض لهم النسيان لبعضه او كله تمام الايام (۸۰)

ميرداماد در كتاب رواشح می نویسد: يقال: كان دأب اصحاب الأصول انهم اذا سمعوا من احدهم عليهم السلام حديثا بادروا الى ضبطه في اصولهم من غير تأخير (۸۱)

شيخ مفيد متوفای ۱۴۳ می گوید: صنف الامامية من عهد امير المؤمنين على عليه السلام الى عهد ابي محمد الحسن العسكري صلوات الله عليهم اربع مائة كتاب تسمى الاصول (و هذا معنى قولهم اصل) (۸۲)

امين الاسلام طبرسی متوفای ۵۴۸ می نویسد: روى عن الامام الصادق عليه السلام من مشهورى اهل العلم اربعة آلاف انسان وصف من جواباته في المسائل اربع مائة كتاب تسمى الاصول رواها اصحابه واصحاب ابيه من قبله واصحاب ابنه موسى الكاظم عليه السلام. (۸۳)

ابن شهر آشوب مازندرانی متوفای ۵۸۸ می نویسد: و ائمتنا عليهم السلام خصوصا بالعلوم لأنهم لم يدخلوا مكتبا ولا تعلموا من معلم ولا تلمذوا لفقير ولا تلقنوا من راو وقد ظهرت في فرق العالمين منهم العلوم ولم يعرف الامتهم لأنهم اخذوا عن النبي صلى الله عليه وآله... وقد جمعوا ما رووا عنهم وسموا ذلك بالاصول سبعة مائة اصل ويزيد على ذلك ويتضمن علوم الدين و الادب والحكم والمواعظ وغير

میرداماد متوفای ۱۰۴۰ می نویسد: المشهوران الأصول الأربعة مصنف من رجال ابی عبدالله علیه السلام وفي مجالس السماع والرواية عنه ورجاله زهاء اربعة آلاف رجل وكتبهم ومصنفاتهم كثيرة الا ما استقر الامر على اعتبارها والتعويل عليها وسميتها بالاصول هذه الأربعة مائة (۹۰)

و در فائده چهارم و ششم آخر وسائل الشیعه و همینطور در هدایة الامة شیخ حر و اول فهرست شیخ طوسی و تأسیس الشیعه، به کثرت و زیادتی اصول اولیه حدیث اشاره شده است مراجعه شود. (۹۱)

شیخ بهائی می نویسد: من الامور الموجبة لحکم القدماء بصحة الحدیث وجوده فی كثير من الاصول الاربعة مائة المشهورة المتداولة عندهم او تکرره فی اصل او اصلین منها باسناد مختلفة او وجوده فی اصل رجل واحد معدود من اصحاب الاجماع. (۹۲)

میرداماد می نویسد: ولعلم ان الأخذ من الأصول المصححة المعتمدة احد ارکان تصحیح الروایة. (۹۳)

و از این قبیل عبارات مورد اعتبار و اعتماد بودن این کتابها و اصل ها استفاده می شود.

نسخه های این اصول که زیر بنای تألیف کتابهای معروف حدیثی شیعه را تشکیل داده است پس از تألیف آن کتابها کم کم از بین رفته است و همانطور که صاحب ذریعه

فرموده است:

«ثم ان بعد جمع الأصول فی المجامیع قلت الرغبات فی استنساخ اعيانها لمشفة الاستفادة منها فقلت نسختها و تلفت النسخ القديمة تدريجا...». (۹۴)

ولی در عین حال قسمتی از این اصول تا قرن ششم و هفتم در کتابخانه ها موجود بوده است و ابن ادریس صاحب سرائر متوفای ۵۹۸ و ابن طاووس صاحب اقبال متوفای ۶۶۴ برخی از این اصول را در اختیار داشته اند. (۹۵)

و مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ در کتاب ذریعه حدود صدویست اصل از این اصول را با ذکر مؤلفین یاد کرده است. (۹۶)

و تعدادی حدود بیست تا سی اصل از این اصول تا زمان ما باقی مانده (۹۷) که شانزده اصل آن به نام «اصول ستة عشر» چاپ شده است. (۹۸)

ح: تدوین حدیث شیعه بعد از زمان غیبت

پس از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یعنی سال ۲۶۰ هجری قمری علمای شیعه با استفاده از همان کتابها و اصلها و جزوه های حدیثی یاد شده به تدوین و تنظیم کتابهای حدیثی بزرگتر و جامع دست زدند که به قسمتی از آنها که تا پایان قرن پنجم تألیف

شده است اشاره می شود:

۱ - محاسن برقی - ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی متوفای ۲۸۰-۲۷۴ از این کتاب که مشتمل بر بیش از صد باب بوده فقط چهارده باب در دسترس است که دوبار چاپ شده است و از بقیه اطلاعی در دست نیست. (۹۹)

۲ - بصائر الدرجات صفار - ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ متوفای ۲۹۰، این کتاب شامل ده جزء است و دوباره چاپ شده است

۳ - بصائر الدرجات - سعد بن عبد الله بن ابی خلف الاشعری متوفای ۳۰۱-۲۲۹ اصل این کتاب در دست نیست ولی منتخبی از آن که توسط شیخ حسن بن سلیمان از شاگردان شهید اول انتخاب شده به چاپ رسیده است. (۱۰۰)

۴ - کافی - ثقة الاسلام کلینی متوفای ۳۲۹ یا ۳۲۸ این کتاب مهم ترین کتاب حدیثی شیعه و شامل شانزده هزار حدیث می باشد و یکی از کتب اربعه شیعه است و مکرر چاپ شده است.

۵ - کامل الزیارات ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه متوفای ۳۹۷، این کتاب دارای صد و هشت باب و توسط مرحوم علامه امینی تصحیح و چاپ شده است.

۶ - مصادقة الاخوان تألیف علی بن

بابویه پدر شیخ صدوق

۷ - من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ این کتاب دومین کتاب از کتب اربعه شیعه است و مکرر چاپ شده است.

۸ - امالی شیخ صدوق

۹ - اکمال الدین شیخ صدوق

۱۰ - توحید شیخ صدوق

۱۱ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

شیخ صدوق

۱۲ - خصال شیخ صدوق

۱۳ - علل الشرایع شیخ صدوق

۱۴ - عیون اخبار الرضا شیخ صدوق

۱۵ - معانی الاخبار شیخ صدوق. این

کتابها هر کدام چند بار چاپ شده است.

۱۶ - نهج البلاغه تألیف سید رضی

متوفای ۴۰۶ شامل خطبه ها و نامه ها و

کلمات فصار علی علیه السلام

۱۷ - تهذیب شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰

سومین کتاب از کتب اربعه شیعه، مکرر

چاپ شده است

۱۸ - استبصار شیخ طوسی، چهارمین

کتاب از کتب اربعه شیعه، مکرر چاپ شده

است

۱۹ - امالی شیخ طوسی، مکرر به چاپ

رسیده است

۲۰ - تحف العقول تألیف حسن بن علی

بن شعبه.

*پاورقی ها

- (۱) الحدیث هو کلام یحکمی قول المعصوم او فعله او تقریره (مقباس الهدایة)
- (۲) طبقات ابن سعد ج ۳ قسم ۲ ص ۷۷ و ۸۳ - السنة قبل التدوین ص ۲۹۶
- (۳) کافی ج ۱ ص ۳۰۴ - وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۶۳
- (۴ - ۵) وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۶۷
- (۶) الظاهران «علی» بمعنی اللام و یحتمل ان یكون بمعنی من (اربعین شیخ بهائی).
- (۷) وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۷۰
- (۸) اربعین شیخ بهائی ص ۵ - سفینة البحار ماده «حفظ»
- (۹) با در نظر گرفتن ذیل حدیث معلوم می شود منظور علم دینی و احادیث است
- (۱۰) وسائل الشیعة ج ۱۸ ص ۶۸
- (۱۱) الکریسة هی الجزء من الصحیفة.
- (۱۲) کافی ج ۲ ص ۶۶۷
- (۱۳) البوائق جمع الباققة و هی الشر
- (۱۴) دلایل الامامة ص ۱ - سفینة البحار ج ۱ ص ۲۲۹
- (۱۵) جهت صرف نظر اینست که آن کتاب مخصوص ائمه علیهم السلام بود و در دسترس همگان قرار نگرفت.
- (۱۶) جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۲۴
- (۱۷) مدروج ای مطوی و ملفوف.
- (۱۸) رجال نجاشی در ذیل محمد بن عذافر - تاسیس الشیعة ص ۲۷۹ - جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۲۴
- (۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲) جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۲۵
- (۲۳) الجراب وعاء من جلد
- (۲۴) جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۲۵
- (۲۵) جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۱۹
- (۲۶) جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۱۸
- (۲۷) در این که جفرو جامعه و مصحف فاطمة و کتاب علی علیهما السلام چهار کتاب یا بیشتر یا کمتر است جای بحث است و نیاز به بررسی کامل دارد.
- (۲۸) اضواء علی السنة المحمدية ص ۴۶ - السنة قبل التدوین ص ۱۱۳ - سیری در صحیحین ج ۱ ص ۴۵ هر سه

به نقل از تذکرة الحفاظ ذهبی ج ۱ ص ۳

(۲۹) از این نقل هم برمی آید که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله نوشتن حدیث ممنوع نبوده است و گاهی برخی از اصحاب احادیثی را که از آن حضرت بی واسطه یا با واسطه می شنیدند می نوشتند.

(۳۰) السنة قبل التدوین ص ۳۰۹ سیری در صحیحین ج ۱ ص ۴۵ هر دو به نقل از تذکرة الحفاظ ج ۱ ص ۴

(۳۱) تنویر الخالک فی شرح موطن مالک للسیوطی ص ۴ جامع احادیث الشیعة ج ۱ ص ۲۲

(۳۲) السنة قبل التدوین ص ۳۱۰ به نقل از جامع بیان العلم وفضله لابن عبد البر ج ۱ ص ۶۴

(۳۳) السنة قبل التدوین ص ۳۱۱ به نقل از طبقات ابن سعد ج ۳ قسّم دوم ص ۲۴۷

(۳۴) اضواء علی السنة المحمدیة ص ۵۹ السنة قبل التدوین ص ۹۶ به نقل از تذکرة الحفاظ ج ۱ ص ۷

(۳۵) اضواء علی السنة المحمدیة ص ۵۴

(۳۶) سلمان به قوی دیگر در سال ۳۶ که آغاز خلافت علی علیه السلام است از دنیا رفته است.

(۳۷) فهرست شیخ طوسی ص ۱۰۶

(۳۸) تاسیس الشیعة لعلوم الاسلام ص ۲۸۰

(۳۹) فهرست شیخ طوسی ص ۷۰

(۴۰) تاسیس الشیعة ص ۲۸۱

(۴۱) رجال نجاشی ص ۳ و ۵، معجم رجال الحدیث ج ۱ ص ۴۵، ۴۷

(۴۲) رجال نجاشی ص ۵، احتمال داده می شود که این کتاب همان کتاب ابی رافع باشد و پس از پدر

آنرا روایت کرده باشد ولی کلمه «جمع» با این احتمال سازش ندارد.

(۴۳) رجال نجاشی ص ۶

(۴۴) رجال نجاشی ص ۷

(۴۵) رجال نجاشی ص ۲۲۰

(۴۶) فهرست شیخ طوسی ص ۱۳۳

(۴۷) فهرست طوسی ص ۶۳ تاسیس الشیعة ص ۲۸۱ با این عبارت: روی عنه عهد الاشر و هو کتاب

معروف.

(۴۸) فهرست طوسی ص ۱۳۴

(۴۹) فهرست طوسی ص ۱۵۷

(۵۰) تاسیس الشیعة ص ۲۸۳

(۵۱) تاسیس الشیعة ص ۲۷۲

(۵۲) تاسیس الشیعة ص ۲۸۲

- (۵۳) معالم العلماء ص ۳ زیرا می گوید از عهد علی علیه السلام و نمی گوید از عهد صادقین علیهما السلام
- (۵۴) مجموع آنچه از این دوره یعنی تا پایان سده اول در کتاب «السنة قبل التدوین» یاد شده است گویا به عدد بیست نرسد.
- (۵۵) با در نظر گرفتن اینکه عمر نقل و نوشتن حدیث را منع کرده بود می توان فهمید که مقصود معاویه چه بوده است.
- (۵۶) به کتاب سیری در صحیحین ج ۱ ص ۵۰-۵۴ مراجعه شود.
- (۵۷) تنویر الحوالک ص ۴ تأسیس الشیعه ص ۲۷۸
- (۵۸) صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۶ السنة قبل التدوین ص ۳۹ سیری در صحیحین ج ۱ ص ۵۵
- (۵۹) تنویر الحوالک ص ۴
- (۶۰ و ۶۱) السنة قبل التدوین ص ۳۳۰ و ۳۳۲ تنویر الحوالک ص ۴
- (۶۲) تأسیس الشیعة ص ۲۷۹. تاریخ انقراض بنی امیه سال ۱۳۲ می باشد.
- (۶۳) الخلاصة فی اصول الحدیث للطیبی ص ۱۴۷-۱۴۸
- (۶۴) به مقدمه موطأ مالک چاپ مصر مراجعه شود.
- (۶۵) معجم المطبوعات ص ۳۱۰
- (۶۶) سیری در صحیحین ج ۱ ص ۵۸
- (۶۷) مقدمه صحیح بخاری چاپ ۱۳۷۸
- (۶۸) مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۵۴۱
- (۶۹) معجم المطبوعات ج ۱ ص ۲۳۱
- (۷۰) مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۵۴۱
- (۷۱) معجم المطبوعات ج ۱ ص ۶۳۲
- (۷۲) سیری در صحیحین ج ۱ ص ۵۹
- (۷۳) خزائن نراقی ص ۲۷۶
- (۷۴) این کتاب در دمشق چاپ شده است.
- (۷۵) آن چهار کتاب عبارتند از: طبقات ابن سعد، سیره ابن هشام، مغازی واقدی، مسند زید بن علی علیه السلام.
- (۷۶) اصل عاصم ص ۳۳
- (۷۷ و ۷۸) کافی ج ۱ ص ۵۲
- (۷۹) الذریعة حاج آقا بزرگ ج ۲ ص ۱۲۷

- (۸۰) مشرق الشمسين ص ۸
- (۸۱) الرواشح السماوية ص ۹۸
- (۸۲) معالم العلماء ص ۳
- (۸۳) اعلام الوری طبرسی ص ۲۷۶ و ۳۸۷
- (۸۴) مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۲۵۴ چاپ قم.
- (۸۵) معتبر محقق ص ۴ - ۵
- (۸۶) ذکری ص ۶
- (۸۷) الذریعه ج ۲ ص ۱۳۹ به نقل از درایه شیخ عبدالصمد ص ۴۰
- (۸۸) درایه شهید ص ۱۸
- (۸۹) وجیزه شیخ بهائی ص ۸
- (۹۰) الرواشح ص ۹۸
- (۹۱) ممکن است به نظر آید که عباراتی که نقل شد مکررات است و نقل آن سودی ندارد ولی با دقت بیشتر معلوم می شود که عبارات یاد شده هر کدام خصوصیتی دارد به حدی که بعضی فکر کرده اند قسمتی از این عبارات با هم توافقی دارند و در صدد جواب و حل توافقی برآمده اند.
- (۹۲) مشرق الشمسين ص ۳
- (۹۳) الرواشح ص ۹۹
- (۹۴) الذریعه ج ۲ ص ۱۳۴
- (۹۵) به خاتمه سرائر و کتاب «السید علی آل طاووس» نوشته آقای آبی ص ۲۲ مراجعه شود.
- (۹۶) الذریعه ج ۲ ص ۱۳۵ - ۱۶۷
- (۹۷) به مقدمه آقای مشکاة بروجیزه شیخ بهائی مراجعه شود.
- (۹۸) توسط دانشمند معظم جناب آقای حاج شیخ حسن مصطفوی.
- (۹۹) به مقدمه محاسن صفحه کا و جلد دوم ص ۶۴۸ چاپ محدث ارموی مراجعه شود.
- (۱۰۰) به مقدمه بصائر الدرجات صفار چاپ دوم ص ۴ مراجعه شود.